

۴۱

حوت ۱۳۹۴
(مارچ ۲۰۱۶)

همبستگی

نشریه حزب همبستگی افغانستان

رونمایی منار یادبود شهید فرخنده

توسط «حزب همبستگی افغانستان»

صفحه ۶



• افغانستان مستقل، آزاد، دموکراتیک و یکپارچه.
 • وحدت ملی بر پایه استقرار و تحکیم دموکراسی استوار بر سکیولاریزم.
 • تساوی حقوق زن و مرد و تمامی ملیت‌های کشور.
 • مبارزه بر ضد هر نوع بنیادگرایی، ارتجاع و مداخلات خارجی.
 • خروج فوری نیروهای اشغالگر امریکایی و ناتو از افغانستان.
 • دفاع از مبارزات آزادیخواهانه و مرفقی ملل دربند جهان.

همبستگی

صاحب امتیاز: حزب همبستگی افغانستان
 مدیر مسوول: سید محمود همرمزم
 شماره تماس: ۰۰۹۳-۷۰۰-۲۳۱۵۹۰
 شماره جواز: ۸۷

در این شماره:

- ۱ جامه خونین فرخنده را درفش مبارزه علیه بنیادگرایان و اشغالگران سازیم!
- ۳ «منار یادبود فرخنده» به اکمال می‌رسد
- ۶ رونمایی منار یادبود شهید فرخنده توسط «حزب همبستگی افغانستان»
- ۱۰ مبارزه علیه بنیادگرایی و اشغال گام اول در راه رهایی زن افغان است!
- ۱۳ گردهمایی در بزرگداشت از روز جهانی زن
- ۱۷ په ننگرهار کی همبستگی گوند د ښځو نړیواله ورځ ولمانځله
- ۲۱ توهین عساکر ترکیه به جسد زن پارتیزان کورد
- ۲۲ زنان در پیشاپیش تشکله‌ها و جنبش‌های مرفقی جهان
- ۳۰ شرکت نماینده حزب همبستگی در کنفرانس جهانی زنان در سویدن
- ۳۴ نجیب اکبری، قهرمان گمنام افغانستان را سرمشق قرار دهیم
- ۳۹ افسوس به حال رییس جمهور تحمیلی و پوشالی!
- ۴۰ کنسرت ولی فتح علی خان در حمایت از مبارزه برای حقوق زنان
- ۴۳ وقتی وجدان بیدار بود، دست خالی بر هر ماشین جنگی برتری دارد
- ۴۶ سناتور امریکایی از بهای سرسام‌آور ادویه در آن کشور می‌نالده
- ۴۷ قتل سرشناس‌ترین فعال مدنی در هندوراس تحت سلطه امریکا
- ۵۰ اعتراض مردم نوزابه ولسوالی چاه‌آب تخار به خون نشست
- ۵۲ د فرخندې په وینو ککړې جامې د بنسټ‌پالانو او نیواکرو پر وړاندې د مبارزې بیرغ کرو!
- ۵۴ سند تاریخی: جدیت شاه امان‌الله خان در برابر فاسدان

جامه خونین فرخنده را درفش مبارزه علیه بنیادگرایان و اشغالگران سازیم!



یک سال از روز
دهشت‌ناک زجرکش شدن
فرخنده در کابل گذشت
که نه تنها ملت ما بلکه
جهان را در بهت و وحشت
فرو برد. اما وجدان‌های
آلوده و خفته حاکمان

پلید تکانی نخورد و تا هنوز قاتلان اصلی و مدافعان شان از چنگ عدالت
فراری اند و طی یک سال با شیوه‌های مختلف تلاش صورت گرفت تا بر
فاجعه‌بارترین ددمنشی در تاریخ معاصر ما پرده افکنده شود.

جریان مضحک محاکمه علنی و سری عده‌ای از عاملان درجه دوم قضیه
فرخنده، حقانیت گفته‌ی ما را به اثبات رسانید که چنین شناختی بدون حمایت
سرجنایتکاران لمیده در دولت ملامافیایی ناممکن است. در پس این قساوت
آنانی قرار داشتند که می‌خواستند بار دیگر خاطرات هولناک سال‌های خون
و خیانت جنگ‌های تنظیمی را در اذهان کابلیان تازه کنند و بدین وسیله
مردم را به تمکین و سکوت وا دارند. ولی خون معصوم فرخنده نقاب جانیان
تاریک‌اندیش را درید و مردم ما را برای دادخواهی و علیه توحش بنیادگرایی

بسیج کرد.

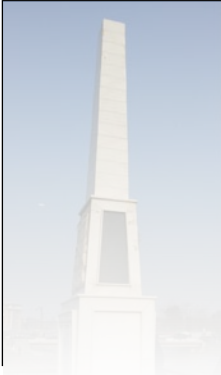
«حزب همبستگی افغانستان» به یاری جمعی از انسان‌های آزاده و با ایستادن در برابر سنگ اندازی‌ها و مخالفت‌های حامیان پرپرکنندگان فرخنده شهید موفق شد مناری را به نشانه‌ی یادبود از وی اعمار نماید تا طنین ماندگار غریو زنان و مردان ما علیه تبهکاران زن‌ستیز و برای رهایی و شکوفایی افغانستان عاری از هر نوع تعصب و بربریت باشد.

«حزب همبستگی افغانستان» یکبار دیگر به تمامی مردم عذاب کشیده و عناصر متعهد و آزادی‌خواه ندا سر می‌دهد که خون فرخنده شهید وجدان هر افغان شرافتمند است، نگذاریم خاینان بر وجدان و شرف ما پا گذرانند. اگر عدالت در مورد فرخنده بصورت شایسته اجرا نشود، دیگر هیچ زن و دختر این وطن در امان نخواهد بود. جنایتکاران بنیادگرا به کمک جارچیان روشنفکرنا در تلاش اند تا مردم ما بهیمیت شان در برابر فرخنده‌ها، رخشان‌ها، تبسم‌ها و هزاران زن و مرد اسیر این سرزمین را به فراموشی سپارند، ولی بر ماست تا جامه خونین فرخنده‌ها را پرچم عدالت‌خواهی سازیم زیرا صلح و ثبات و خوشبختی بدون مبارزه جانبازان و حق طلبانه دست یافتنی نیست.

حزب همبستگی افغانستان

۲۷ حوت ۱۳۹۴ (۱۷ مارچ ۲۰۱۶)

کابل



«منار یادبود فرخنده» به اکمال می‌رسد



به تاریخ ۲۰ دلو ۱۳۹۴ (۹
فبروری ۲۰۱۶) جمعی از
اعضا و هواداران «حزب
همبستگی افغانستان» در
همکاری با رهگذران در
آخرین کارهای ساختمانی
«منار یادبود فرخنده» در

حاشیه دریای کابل شرکت جستند. بلقیس روشن، نماینده پیشین مردم در
مجلس سنا نیز در این برنامه اشتراک نموده بود. خانم سیلی غفار، سخنگوی
حزب همبستگی، که دوشادوش با دیگران کار می‌کرد، در مورد این بنای
یادبود گفت:

«منار فرخنده، بنایی است برای یادبود از شهید فرخنده و هزاران
زن دیگر این سرزمین که در آتش جهل بنیادگرایی سوخته‌اند.
امیدوارم که هر انسان زجر دیده‌ی افغانستان از این منار دیدار
نموده و سیل اشک‌های شان را به توفان مبارزه علیه گروه‌های
مرتجع و جنایتکار و بادران اشغالگر شان مبدل سازند. با ساخت
این منار، تمامی وجدان‌های بیدار را به دادخواهی و مبارزه علیه



فاجعه جاری حقوق
زن در کشور فرا
می‌خوانیم. درحالیکه
قاتلان فرخنده‌ها از
چنگ عدالت رهایی
می‌یابند، می‌کوشیم
وحشت بی‌نظیر و

دردناک در برابر فرخنده‌های افغانستان را برای نسل‌های بعدی
منحیث درس عبرتناک به یادگار بگذاریم تا دیگر هیچ فرخنده‌ای
درین کشور زجرکش نشود.»

سحر، جوان دیگر حزب همبستگی گفت:

«خبر جنایت علیه فرخنده‌ی شهید را شام همان روز از طریق
فیسبوک خواندم. از درد زیاد، استخوان‌هایم تا به امروز می‌سوزند.
در چندین راهپیمایی به دفاع از خون فرخنده شرکت نمودم و
حالا هم در اینجا کار می‌کنم. فقط با کار و مبارزه برای عدالت و
آزادی می‌شود دردم را تسکین دهم.»



قابل ذکر است که جمعی از رهگذران نیز با استقبال از ساخت منار، در کار
عملی سهم گرفتند که به همین وسیله از آنان اظهار سپاس می‌کنیم. حکمت،
جوانی از مزار که باوجود داشتن مدارک تحصیلی در تلاش کار به کابل

آمده، بکس پشتی‌اش را در کنار منار گذاشت و آستین بر زده پنجره‌های منار را رنگمالی کرد.



حزب همبستگی افغانستان، این منار را به کمک مالی انسان‌های عدالتخواه از افغانستان و کشورهای مختلف و حمایت خانواده شهید فرخنده اعمار نموده است که به زودی افتتاح خواهد شد. کار منار به دلیل سنگ‌اندازی‌ها و مشکل تراشی‌های افراد و نهادهای دولتی بار بار به تعویق افتاد اما حزب همبستگی با حمایت مردمی و تلاش پیگیر بر تمامی این مخالفت‌ها غلبه نموده آنرا به سرانجام رسانید.



فعالیت‌های حزب

رونمایی منار یادبود شهید فرخنده توسط «حزب همبستگی افغانستان»



۲۷ حوت ۱۳۹۴: اعضا و هواداران «حزب همبستگی افغانستان» به مناسبت سالروز زجرکش شدن فرخنده، «منار یادبود فرخنده» را طی مراسمی رونمایی

نموده فریاد عدالت‌خواهی زنان افغان برای رهایی از اسارت و مبارزه علیه بنیادگرایی و اشغال را سر دادند.

در ابتدای برنامه، سیلی غفار، سخنگوی حزب همبستگی از وضعیت هولناک زنان افغان زیر حاکمیت بنیادگرایان و دولت‌های پوشالی یادآوری نمود، آنان را به متشکل شدن برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی فرا خواند:

«یک سال از پرپرشدن فرخنده می‌گذرد. فرخنده را کشتند،

اما نامش دیگر به وجدان جمعی بخصوص زنان افغان بدل گشته

است. فرخنده سمبول معصومیت زن افغان گشت. دفاع از فرخنده

در واقع دفاع از زن نگون‌بخت افغان است که پامال جهل و وحشت

بنیادگرایان رذالت‌پیشه گشته فریاد جگرسوزش از گوشه و کنار

کشور بلند است.

ما در همان نخست نسبت به پیگیری این قضیه از طرف حکومت بوگرفته «وحشت ملی» بی‌باور بودیم و پیش‌بینی نمودیم که مانند قضایای دیگر از جمله قضیه پغمان و مخصوصاً زمانی که قضیه مربوط به زن افغان باشد؛ مجرمین اصلی را رها می‌کنند و افراد درجه دو و درجه سه به محکمه کشانده می‌شوند.

تا هنگامی که جنایت و جنایتکاران چه طالبی و تنظیمی و داعشی و گلبدینی با نیروی متحد مردمی برچیده نشوند، مردم ما نه صلح و امنیت سراسری را تجربه خواهند کرد و نه به رفاه و سعادت انسانی دست خواهند یافت. پس بیا یک صدا سکوت را با فریاد استقلال، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی بشکنیم.»



در این برنامه، مسعود حسن‌زاده از گروه مورچه‌ها، ولی فتح علی خان و «گروه ۹۹٪»، موسیقی اعتراضی به مناسبت سالروز شهادت فرخنده اجرا نمودند. پس از آن، تياتری که حقیقت زجرکش شدن فرخنده و محکمه ریشخند حکومت «وحشت ملی» در رابطه به قضیه فرخنده را به نمایش می‌گذاشت، توسط جوانان حزب همبستگی روی صحنه آمد.

در اخیر، منار یادبود توسط نجیب اکبری - مسوول بخش اسناد تاریخی در آرشیف ملی افغانستان، مسعود حسن‌زاده، ولی فتح علی خان، سیلی غفار و چند زن دیگر رونمایی گردید.

آقای نجیب اکبری درین جریان گفت:

«فرخنده‌ی عزیز را ظالمانه لت و کوب کردند و جسدش را به آتش کشیدند. بعضی از انسان‌ها پس از مرگ شان قهرمان می‌شوند. فرخنده هم امروز به قهرمان مبدل شده که ما برای یادبود از وی اینجا گردهم آمده‌ایم.»



«حزب همبستگی افغانستان» به یاری جمعی از انسان‌های عدالتخواه منار شهید فرخنده را به نشانه‌ی یادبود از او اعمار نموده است تا طنین ماندگار غریو زنان و مردان ما علیه نفرین‌شدگانِ تبهکار زن‌ستیز، برای رهایی و شکوفایی افغانستان عاری از هر نوع تعصب و بربریت باشد.





اعلامیه

8March

International Women's Day

۸ مارچ، روز جهانی زن

حزب همبستگی افغانستان
Solidarity Party of Afghanistan
www.hambastagi.org
facebook.com/Hambastagi

مبارزه علیه بنیادگرایی و اشغال گام اول در راه رهایی زن افغان است!



امسال در حالی به مصاف
هشتم مارچ رفته و از روز
جهانی زن بزرگداشت به
عمل می آوریم که متأسفانه
هر روز شاهد قتل، تجاوز،
بریدن گوش و بینی و لت
و کوب زنان کشور خود

هستیم. در عین حال شاهدهیم که هنوز قاتلان فرخنده، رخشانه و ده‌ها زن دیگر
این سرزمین بدون هر گونه محاکمه و بازپرسی به ترکنازی شان ادامه داده و
حمایت وسیع سرجنایتکاران دولتی و غیردولتی را هم با خود دارند.

در چهار دهه گذشته خونبار جنگ که ضدموکر اतिक‌ترین و ضدزن‌ترین
رژیم‌ها از خلق و پرچم گرفته تا تنظیم‌های هفتگانه و هشتگانه، وحوش طالبی
و دولت دست‌نشانده امریکا بر ما حکمرانی کرده‌اند، زنان کشور ما بدترین
و سیاه‌ترین روزهای زندگی خود را سر نموده‌اند. بخصوص در پانزده سال
اخیر، تحت حاکمیت به اصطلاح دولت دموکراتیک خشونت و جنایت علیه
زنان به اوج آن رسیده است. گزارش‌های تازه در رابطه با تحقیر و توهین زنان
و دختران که به اجبار مورد معاینه بکارت قرار می‌گیرند، سیلی دیگریست به

روی نظام زن‌ستیز ع و غ و حامیان خارجی شان.

دولت‌ها و احزاب بنیادگرا و مرتجع در تمامی جوامع زوال و نابودی شان را در آگاهی زنان می‌بینند، بناءً از مشخصه‌های بارز چنین رژیم‌ها و فاشیزم مذهبی محصور نمودن این نیمه در چهاردیوار خانه و سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش زنان می‌باشد. در افغانستان گروه‌های تنظیمی در دهه ۷۰ شمسی به مجرد رسیدن به قدرت و تهاجم بر کابل، یکی از اولین اعمال شان جنایات نابخشودنی علیه زنان و سلب کلیه حقوق آنان بود. امروز نیز زورمندان و جنگسالاران هم‌گام با همفکران طالبی شان زنان افغان را قربانی هر نوع ددمنشی و شناعت می‌سازند.

خواهران عزیز،

هشتم مارچ به یاد آورنده حماسه و مبارزه زنان قهرمان و مبارزی است که برای دستیابی به حقوق برابر خویش بی‌باکانه رزمیدند و در این راه از جان خود مایه گذاشتند. تاریخ گواه آنست که زنان هیچ کشوری به زور بمباران و در سایه یک نیروی اشغالگر به حقوق شان نرسیده‌اند.

در این هیچ‌شکی وجود ندارد که در چهل سال گذشته زنان وطن ما بیشترین قربانی‌ها و بدترین ستم‌ها را متحمل شده اما از سوی دیگر تاریخ مملو از زنان قهرمانیست که کار و حماسه‌های آنان باید منبع الهام و سرمشق زندگی ما باشد. برای رهایی از این همه خشونت و بربریت باید مانند ملالی میوند، ناهید، وجیهه، مینا و سایر زنان مبارز و نترس جهان آماده جانفشانی بود. فریاد حق‌طلبانه زنان می‌تواند به جنبش‌های یک ملت مبدل گردد. در یک سال اخیر دیدیم که چگونه خون معصوم فرخنده و تبسم مردم ما را یکدست و یکصدا کرده و به‌طور بی‌نظیر هزاران تن را به جاده‌ها کشانید و رژیم فاسد ع و غ را تکان داد. برماست تا این موج عدالت‌خواهانه را خروشان نگه‌داریم. مبارزه زنان سلحشور کوبانی که کم و بیش در عین شرایط اند، می‌تواند منبع الهام برای ما باشد. تا زمانی که زنان افغان خود آگاهانه برای رهایی شان قد علم نکنند، هیچ راهی نیست تا آنان را از غل و زنجیرهای بنیادگرایی و مناسبات فرسوده فیودالی و مردسالارانه نجات بخشد.

«حزب همبستگی افغانستان» که بر نیروی پرتوان زنان افغان باور راسخ دارد، به تمامی تشکله‌ها و افراد پیشرو و حامیان واقعی برابری زنان دست دوستی دراز نموده و خواهان همبستگی آنان است. در شرایط فاجعه‌بار

کنونی، این وظیفه خطیر را تاریخ بر عهده افراد و نیروهای پیشرو گذاشته است تا آگاهی دهی و بسیج زنان در هر سطح ممکن را در اولویت کار و مبارزه شان قرار دهند زیرا بدون شرکت فعال زنان هیچ مبارزه‌ای به پیروزی نمی‌رسد.

حزب همبستگی افغانستان

۱۸ حوت ۱۳۹۴ (۸ مارچ ۲۰۱۶)

کابل



فعالیت‌های حزب

گردهمایی در بزرگداشت از روز جهانی زن



۱۷ حوت ۱۳۹۴: «حزب
همبستگی افغانستان» در
گردهمایی‌ای در کنار
قصر ویران دارالامان از
روز جهانی زن بزرگداشت
به عمل آورد. در این
برنامه حدود ۷۰۰ تن که

بیشتر شان را زنان می‌ساخت، اشتراک ورزیده و شعارهایی علیه بنیادگرایان
زن‌ستیز چند دهه اخیر و حامیان اشغالگر شان سر دادند. اشتراک کنندگان
پلاکارت‌هایی را با تصاویر هولناک زنان قربانی قساوت‌های بنیادگرایی و
جامعه مردسالار نیز بلند نموده بودند.

گردهمایی مذکور با آهنگ‌های اعتراضی مسعود حسنزاده و ناصر رویان
رنگین‌تر گردیده بود. در سرزمینی که هر روز خون جاریست، مردمانش گلو
بریده می‌شوند، سنگسار شده و در آتش جهل می‌سوزند، در انتحار و انفجار
جان می‌دهند، رسالت هنرمند بیان تلخی‌های جامعه است و جایی برای غزل و
آهنگ عاشقانه نمی‌ماند. در آشفته‌بازار موسیقی افغانستان که همه از قرصک
و عروسک تاجیکی می‌خوانند، خوشبختانه هنرمندانی را داریم که باوجود غم

نان خاموشی اختیار نکرده و درد مردم را فریاد می‌کشند.



سیلی غفار، سخنگوی حزب همبستگی، درمورد وضعیت زنان نگو نبخت کشور گفت:

«هشتم مارچ روز همبستگی سراسری زنان به خاطر شکستن زنجیرهای ستم جنسیتی و طبقاتی است.

گرامیداشت از روز جهانی زن نه با تجلیل‌های تشریفاتی و سرکاری در سالون‌ها، نه با رد و بدل کردن تحفه و عرض تبریک‌ها و نه با نوحه‌سرایی و نالیدن از اوضاع، بلکه فقط و فقط با متشکل شدن و استوار ایستادن در برابر تمامی دشمنان داخلی و خارجی می‌تواند معنی یابد.

خواهران،

تا وقتی زنان وطن ما به آگاهی نرسند و خود به‌خاطر احقاق حقوق شان متحد نشده و مبارزه نکنند، فاجعه حقوق زن در کشور ادامه خواهد داشت. باید زنان ما به نیروی خود واقف گردند و بدانند که زنان همپای مردان می‌توانند و باید در رهیدن از زنجیر ستم و نابرابری‌ها به میدان مبارزه برآمده و نقش شان را بازی کنند. آنان باید به این آگاهی دست یابند که وقتی تمام ملت ما در زنجیرهای جهل و جنایت و اشغال فشرده می‌شوند، شعار حقوق زن از جانب حکام مستبد شعار دروغین و خاینانه‌ای بیش نیست. تاریخ مبارزات

مردمی جهان بارها ثابت کرده است که بدون اشتراک فعال زنان هیچ مبارزه آزادیخواهانه به پیروزی نخواهد رسید به همین دلیل هر دولت و نیروی مرتجع و ضد مردمی می‌کوشد نیم بدنه جامعه را از شرکت فعال در حیات سیاسی کشور برکنار نگهدارد تا کار به زنجیر کشیدن نیم دیگر جامعه سهلتر گردد.»



این گردهمایی اعتراضی با اجرای تیاتری که درد و مشقت‌های مردم زجر کشیده‌ی افغانستان بخصوص زنان را به تصویر می‌کشید، خاتمه یافت.







په ننگرهار کې همبستګۍ ګوند د ښځو نړیواله ورځ ولمانځله



۱۳۹۴ کال د کب ۲۱ د :
«افغانستان همبستګۍ
ګوند» ننگرهار څانګې د
ښځو نړیواله ورځ د «د
بنسټپالۍ او نیواک پر
وړاندې مبارزه د افغانو
ښځو خلاصون په لار کې

لومړنۍ ګام دی!» تر شعار لاندې ولمانځله. په دې غونډه کې له ۳۰۰ زیاتو
تنو ګډون درلود چې ډیری شمیرې یې د ننگرهار کږیدلې او بدمرغه ښځې
وې. غونډه د لیمې په وینا پیل شوه چې وویل:

«د افغانستان ښځې د نړۍ د نورو هیوادونو پرتله له خورا زیاتو
ستونزو سره مخ دي. دوی برسیره پر دې چې ۱۰ کاله د روسانو
او د هغوی خلق او پرچم چوپړانو تر واکمنۍ لاندې وځپل شوی،
د تنظیمونو توره دوره، د ځناورو طالبانو زور زیاتي او اوس مهال
د امریکا تر سیوري لاندې د داعش ظلمونه زغمي.... امریکا د
دموکراسۍ تر نامه لاندې کرغېږ بنسټپالان پر مونږ واکمن کړل
او هره ورځ د دغو ځناورو له لوري افغانې ښځې وژل کیږي، غوړونه

او پوزې یی پرې کیري، جنسي تیری پری کیري، په دورو وهل
کیري او یا د ننگ او ناموس په نامه په دښتو کی سنگساریري....
په هر حال اوسني حالات باید ښځې دې پوهې ته ورسوي چی
پرتله له کوتلې مبارزې او یووالی نشي کولای خپل حقونه ترلاسه
کړي.»



وروسته ځلا د ګوند له فعالانو څخه د «نیمه ی دیگر» تر نامه لاندی د
ایران غښتلی او مبارزي شاعرې مینا اسدی شعر دکلمه کړ. د پروګرام په
اوردو کی د ښځو نړۍ والی ورځ تاریخچه چی د سلايد په شکل ترتیب شوی
وه ګډون والو ته وښودل شوه چی تر ډیره حده د هغوی خوښه شوه. په دي
تاریخچه کی د نړۍ پیاوړو او مبارزو ښځو لکه کلارازتکین، روزالوګزامبورګ،
مرضیه اسکویی، نوال السعدوی، ارونډتی رای، تسلیمه نسرين، شیرین
علم هولی، مینا او نورې مخکښه او مبارزې ښځې پیژندل شوی او د هغوی
د مبارزي په هکله معلومات ورکړل شوی وو.

د ګوند ځوانانو سرودونه وویل چی د یووالی او مبارزي پیغام یی درلود.
آرزو د ګوند په استازي توب په خپله وینا کی دغه ورځ خلکو مبارکی وویل او
زیاته یی کړه:

«په هر هیواد کې د ځانګړې وضعیت په پام کې نیولو سره د ښځو
د مبارزې مضمون توپیر لري. د افغانستان ښځې د نړۍ هغه بدمرغه
دي چې کلونه کلونه یې د زورواکه او پوچ رژیم په زور او زیاتي کې

تیر کړي دي. دغه رژیمونه په داسې حال کې چې د هیواد اقتصاد، ټولنې او سیاست ته وده نه ده ورکړې، څنگه کولای شي چې د بنځو په حقوقو فکر وکړي.

د خلق او پرچم واکمني او د دموکراسۍ او آزادۍ تر نوم لاندې د دوی د هیواد پلورنې جوهر د افغانستان د بنځو مبارزو ته ډیره لویه ضربه وه او د خلاصون لار یې ورته اوږده او ستونزمنه کړه. د جهادي او طالبی بنسټپالو د تورې واکمنۍ پرمهال له بنځو سره د ناکاره انسان په څیر چلند وشو، چې آن تر دې تاریخ یې له لیکلو مخ اړوي.



که څه هم بنځې د طالبی ځواکونو په منځنیو پېړیو کې راگیر وې، خو نن ورځ چې امریکایي نیواکگر ځواکونو د بنځو آزادي، دموکراسي، له اوږدمهاله جنگونو د خلکو خلاصون او د طالبانو او تروریسم د منځه وړلو او دې ته ورته په نورو نومونو هیواد نیولی، دا دی چې د دوی ډولادول مرتجع ډلې ټپلې او بنسټپاله ځواکونه په نورو شکلونو د هیوادوالو پر اوږو بارکړل او پر بنځو زور او زیاتییې هم ډیروالی مومي.

د بنځو د خلاصون لار ستونزمنه، اوږده او لوړو او ټیټو سره مل ده، د افغانستان بنځې او سړي له یوه اړخه باید د خپلواکۍ لپاره د امریکا نیواکگر ځواکونو سره مبارزه وکړي او له بل اړخه ارتجاعي

ځواکونو، بنسټپالو جنایتکارانو او مزدورانو پروړاندې مبارزه وکړي،
ځکه د دغو دوو دښمنانو پر وړاندې مبارزه د آزادۍ او د جنسیتي
زبېښاک او د زور زیاتي څخه د خلاصون لپاره د ښځو د مبارزې
دوه نه بیلیدونکې څانګې دي. مونږ باید د کوبانی زړه ورو ښځو په
څیر پر خپل ځواک او توان باور ولرو او د هر ډول زور زیاتي څخه د
خلاصون لپاره یو بل ته لاس په لاس کې ورکړو او د ښځو او انسانو
دښمنان له خاورو سره خاورې کړو.»

غونډه د تیاتر په ترسره کولو چې پکې پر ښځو زور زیاتي انځور شوی وه
پای ته ورسیده.





توهین عساکر ترکیه به جسد زن پارتیزان کورد

ارتش خون آشام ترکیه تحت فرمان «حزب عدالت و توسعه» به رهبری اردوغان یک زن مبارز کورد را در شهر جزیره به قتل رسانیده سینه‌هایش را بریده اند. این فاشیست‌ها پس از شکنجه‌ی پیکر بی‌جان وی، عکس‌های برهنه او را در شبکه‌های اجتماعی به نمایش گذاشتند که موجی از تنفر افراد و نهادهای عدالت‌خواه را در سرتاسر جهان به دنبال داشت. این اولین باری نیست که این بنیادگرایان ترکیه دست به چنین قساوتی می‌زنند، در گذشته نیز با جسد زن مبارز کورد به نام کوثر ایل‌تورک این نوع جنایت را مرتکب شدند.



زنان در پیشاپیش تشکلهای و جنبشهای مترقی جهان



زنان با وجود تحمل ستم چندلایه بازهم همیشه به شکل انفرادی یا در قالب تشکلهای و جنبشهای مبارزاتی پیشرو در خط مقدم مبارزه قرار گرفته‌اند. در ذیل نمونه

چندین تشکل مترقی که زنان در آن نقش بارز دارند را از نقاط مختلف جهان می‌آوریم:

گروه گلابی

«باند گلابی» توسط خانم سمیت پل دیوی در ایالت اترپردیش هند در واکنش به خشونت خانوادگی و انواع خشونت‌ها علیه زنان بنیان گذاشته شد. در حقیقت، این گروه متشکل از کدام بانندی نیست و فقط نام نمادین را برای خود انتخاب کرده‌اند. تمامی اعضای «باند گلابی» ساری به گلابی رنگ می‌پوشند

و چوب بانس با خود حمل کرده در صورت ضرورت از آن منیث اسلحه علیه عوامل خشونت علیه زنان کار می گیرند. اکثریت در این گروه را زنان کاست پایین هند یعنی «دالیت» می سازد که در اغلب مناطق ایالت اترپردیش حضور دارند و تعداد شان در حدود ۲۷۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ تن تخمین زده می شود. این گروه در عکس العمل بر قضایای ستم علیه زن، ابتدا مرد خشونت گر را اخطار می دهند ولی اگر خشونت ادامه یافت، مرد مذکور را با چوب های در دست شان مورد لت و کوب قرار می دهند و اگر تغییری رونما نشد، این بار روی این مرد را سیاه نموده و در جاده های همان منطقه می گردانند. بطور نمونه در ۲۰۰۷، به زنی از کاست «دالیت» توسط مردی مربوط کاست های برتر تجاوز صورت گرفت، مردان قریه علیه قبول ضمانت مرد متجاوز توسط پولیس اعتراض نمودند که منجر به زندانی شدن چندین معترض گردید، ولی زنان «باند گلابی» به حوزه پولیس یورش برده و مردان دریند را آزاد کردند و پولیس را وادار ساختند تا قضیه علیه مرد متجاوز را درج کند.



واحدهای مدافع زنان

«واحدهای مدافع زنان» که بیشتر به «ی‌پژ» مشهور هستند، واحدهای مسلح مردمی متشکل از زنان بین سنین ۴۰-۱۸ را می‌سازند که در ۲۰۱۲ در کوردستان سوریه پا به عرصه وجود گذاشتند و تعداد شان به ۷ تا ۱۰ هزار زن جنگجو می‌رسد که شهامت و استقامت آنان سرخط اخبار جهان گردید. این واحدهای رزمی در کنار سازمان برادر شان، «واحدهای مدافع مردم - ی‌پ‌گ» مبارزه مسلحانه علیه گروه قسی‌القلب «داعش» و دیگر گروه‌های هم‌فکر شان را به پیش برده در عین حال مخالف دولت مستبد بشارالاسد می‌باشند. مناطق تحت کنترل این واحدها به شکل شوراهای مردمی که به کانتون‌ها مسمما است، اداره می‌گردد و عملاً هیچ دولتی وجود ندارد. در اگست ۲۰۱۴، «ی‌پژ» نقش عمده‌ای در نجات ایزدی‌ها ایفا نمود که در کوه‌های سنجار برای فرار از توحش «داعش»، گیر مانده بودند. افزون بر آن، «ی‌پژ» در کنار «ی‌پ‌گ» در رهایی کوبانی از محاصره «داعش» از خودگذری نشان دادند و مفسران این مقاومت حماسی شان را با دفاع استالین‌گراد در مقابل نازی‌های هیتلری مقایسه می‌کنند. از سوی دیگر ارزش و شهرت «ی‌پژ» درین است که برضد گروه تاریک‌اندیشی برخاستند که زن را نصف مرد، ناقص‌العقل و ابزاری برای اطفای شهوت مردان می‌پندارد. جنگجویان داعش وقتی با دختران شرافتمند کورد مواجه می‌شوند فوری عرصه را رها کرده پابه فرار می‌گذارند چون تصور دارند که اگر بدست دختری کشته شوند به بهشت نخواهند رفت!



جنبش‌های ضدفاشیسم ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، یوگسلاویا و یونان

زنان نقش بزرگی در جنبش‌های ضدفاشیسم ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، یوگسلاویا و یونان در جریان جنگ جهانی دوم ایفا کردند. آنان در کنار پیکار رویاروی با نازی‌ها، در انتقال پیام، غذا، البسه، پول و حتا اسلحه برای گروه‌های پارتیزانی با گذر از بازرسی‌های نازی‌ها و یا نیروهای دست‌نشانده‌ی شان، نسبت به مردان بهتر عمل می‌کردند. بنابر آمار ثبت‌شده پارتیزان‌های ایتالیا، از میان ۲۰۰ هزار تن، ۵۵ هزار تن را زنان تشکیل می‌دادند. شرکت زنان در پیکار علیه فاشیزم مقام آنان را در جامعه‌ی اروپا مستحکم ساخت و با پایان جنگ جهانی دوم به خانه برگشتند و فعالانه در تمامی عرصه‌های سیاسی نقش ادا کردند.



زنان پارتیزان یونان



زنان پارتیزان ایتالیا



زنان پارتیزان اسپانیا



زنان پارتیزان یوگسلاویا

زنان در جنبش انقلابی نیپال

براساس گزارش‌ها در حدود یک بر پنج تا یک بر سوم کمیت کادرها و جنگجویان جنبش انقلابی نیپال را زنان می‌سازند. در هر قریه تحت رهبری این جنبش به‌طور حتمی یک سازمان انقلابی زنان نیز موجود است. «جمعیت انقلابی سرتاسری زنان نیپال» نقش ارزنده‌ای در بسیج زنان در روستاها ادا کردند. بعد از پیمان صلح برملا گردید که در میان نیروهای مسلح انقلابی ۱۵ هزار تن شان را زنان تشکیل می‌داد.



ارتش رهایی بخش ملی زاپاتیستا

زنان در ارتش انقلابی زاپاتیستا منحصراً جنگجویان و کارمندان اجتماعی فعال‌اند. در دهه ۹۰ میلادی، یک سوم رزمندگان ارتش مذکور را زنان تشکیل می‌داد. پس از خیزش زاپاتیستا در شهر چیاپاس مکزیکو، آنان قانون ده ماده‌ای مختص حقوق زنان موسوم به «قانون انقلابی زنان» را به تصویب رساندند که مشمول مسئله ازدواج، کودکان، کار، صحت، معارف، مشارکت سیاسی و نظامی و تحفظ زنان از خشونت خانوادگی می‌گردید. در دسامبر

۲۰۰۷، زاپاتیستا گردهمایی ای را در یک قریه کوچک چیاپاس به نام گاروچا پیرامون مسایل زنان برگزار نمودند که در آن ۳۰۰۰ تن به شمول ۳۰۰ زن عضو این جنبش اشتراک ورزیدند. در اغلب مذاکره‌های زاپاتیستا با دولت، زنان نمایندگی این جنبش را برعهده دارند.



حزب حیات آزاد کوردستان - پژاک

«حزب حیات آزاد کوردستان - پژاک» یک تشکل پیشرو در ایران است که بیشتر برای احقاق حقوق ملت کورد علیه رژیم سفاک آخوندی می‌رزمند. زنان در صفوف مسلح این حزب نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند و ۴۰ درصد شورای رهبری این حزب را زنان تشکیل می‌دهند. تا کنون رژیم خون‌آشام ایران چندین تن را به اتهام عضوی در این حزب اعدام نموده است که از آن جمله می‌شود از زنده‌یاد شیرین علم‌هولی نام برد.



«جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا)



«جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) اولین سازمان مستقل و سیاسی زنان افغان است در سال ۱۳۵۶ توسط مینا و چند زن روشنفکر دیگر در کابل بنیاد گذاشته شد که کار برای ایجاد یک جامعه دموکراتیک و تامین

حقوق سیاسی و اجتماعی زنان هدفش را می ساخت. اولین شماره ارگان نشراتی این سازمان به نام «پیام زن» در ۱۳۵۹ در شهر کابل به نشر رسید. فعالیت‌های پرشور «راوا» روس‌ها و چاکران داخلی‌اش را سراسیمه ساخت که دستگیری‌ها، شکنجه و سال‌ها زندانی شدن تعدادی از اعضای «راوا» و طرفدارانش را به دنبال داشت. تظاهرات گسترده دختران مکاتب کابل از نتایج فعالیت «راوا» به شمار می آمد که پوشالیان خلقی و پرچمی به سرکوب خونین آن پرداختند و عده‌ای چون وجیهه و ناهید را شهید نموده و عده زیادی را مسموم نمودند. از آن پس، این سازمان مجبور شد تا هسته‌های تشکیلاتی‌اش را به پاکستان انتقال دهد و در همان آوان مینا در یک مصاحبه تلویزیونی به ملت هشدار داد که باندهای اخوانی دشمنان ملت بوده و اگر به قدرت رسند، روی روس‌ها و نوکرانش را در جنایت سفید خواهند کرد. از همینجا بود که «راوا» در مقابل احزاب بنیادگرای دست پرورده سی‌آی‌ای و آی‌اس‌آی و روس‌ها و چاکران‌ش در دو جبهه رزمید و آگاهی دهی نمود. در ۱۵ دلو ۱۳۶۵ (۴ فبروری ۱۹۸۷)، جواسیس «خاد» با همدستی حزب جنایتکار گلبدین، رهبر «راوا» را با دو تن از دوستانش طی توطئه‌ای به قتل رساندند. اما راهیان شهید مینا تسلیم‌ناپذیرتر و قاطع‌تر به مبارزه ادامه داده در برابر تمامی حملات و تبلیغات زهرآگین تنظیم‌های جنایتکار ایستادند و مهر شان را بر جنبش عدالت‌خواهانه و وطن‌ما کوبیدند. نشریه «پیام زن» حاوی افشاگری جنایات چهار دهه اخیر می‌باشد و کلکسیون این مجله ارزشمند را در مقطعی از تاریخ وطن ما می‌توان منحصراً جلد سوم «افغانستان در مسیر تاریخ» برشمرد.



فعالیت‌های حزب

شرکت نماینده حزب همبستگی در کنفرانس جهانی زنان در سویدن



سیلی غفار سخنگوی
«حزب همبستگی
افغانستان» به دعوت
«مجمع بین‌المللی چپ»
مربوط به «حزب چپ
سویدن» در کنفرانس
جهانی زنان که در استهکلم

تدویر یافته بود شرکت کرد. در این کنفرانس به تاریخ ۲۳ و ۲۴ جنوری، ۲۰۱۶، بر علاوه افغانستان، نمایندگان احزاب و سازمان‌های پاکستان، نیپال، اندونیزی، فلیپین، ترکیه، کوردستان، سوریه، اکوادور، سنگال، گواتیمالا، کلمبیا، فلسطین و السلوادر شرکت داشتند.

در روز نخست کنفرانس به وضعیت سیاسی و اقتصادی زنان در سطح جهان و دسترسی آنان به تعلیم و تربیه، صحت و غیره پرداخته شد. دید عمومی بر آن بود که در اکثر جوامع زن به عنوان شهروند درجه دوم شناخته شده و فرهنگ مردسالاری حاکم است، زنان باید برای رهایی ازین جو مبارزه نمایند. در کنار سایر سخنرانان که جایگاه زنان را در کشور خود شرح می‌دادند، سیلی غفار نیز در مورد فاجعه حقوق زن در افغانستان گزارشی ارائه کرد. او از

سوءاستفاده آمریکا و غرب از ستم کشیدگی زنان افغان جهت اشغال افغانستان سخن گفته متذکر شد که در ۱۵ سال گذشته هیچ قدم جدی برای بهبود وضعیت زندگی زن افغان برداشته نشده است، بیشتر کارها بگونه سمبولیک سازماندهی شده که هرگز نمی تواند تغییر بنیادی در زندگی زن افغان بیاورد. او با آوردن آمار و حقایق نشان داد که افغانستان کماکان بدترین کشور برای زنان است. سخنگوی حزب در بخشی از سخنانش گفت:

«علاوه بر خشونت ها و استبداد حاکم در کشور؛ ستم بر زن ریشه های عمیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. هیچ کشور و نیرویی نمی تواند به زنان آزادی و رفاه بیاورد مگر اینکه خود به آگاهی رسند و متحدانه برای کسب حقوق شان پیکار نمایند. در کشورهایی که زنان به حقوق ابتدایی شان دست یافته اند، نتیجه چندین دهه جانفشانی و فعالیت های هماهنگ سازمان های مبارز و مترقی زنان بوده است. آنچه را که انسان ها در اثر مبارزه و پشتکار بدست آورند، به آسانی ممکن نیست از دست رود. اما در افغانستان که از حقوق اهدایی به زنان صحبت می شود، امروز پیایی خود امریکاییان، دولت مزدور و دست نشانده و تحلیلگران مزدبگیر شان داد می زنند که با خروج نیروهای خارجی این "دستآورد" ها از دست خواهند رفت.»

روز دوم کنفرانس به رشد بنیادگرایی و سنگ اندازی آن در برابر جنبش های دموکراتیک، مخصوصا جنبش زنان اختصاص یافته بود. کشورهای مختلف تجارب خود را در زمینه با یکدیگر تبادل نمودند. افغانستان، اندونیزیا، پاکستان و سوریه نقاط مشترک زیادی باهم داشتند. اکثریت به این باور بودند که بنیادگرایی و امپریالیزم دو روی یک سکه اند، امپریالیزم برای تحقق برنامه هایش به نیروهای بنیادگرا و جنایت پیشه در تمام نقاط جهان اتکا دارد. مثال های رشد بنیادگرایی در مصر، فلسطین، ایران و فعلا افغانستان، سوریه و عراق نیز مورد بررسی قرار گرفت. اینکه یک مشخصه بارز بنیادگرایان ضدیت شان با زن است مورد بحث قرار گرفت و اکثریت با تجارب کشورهای شان این حقیقت را تایید نمودند. خانم غفار تاکید کرد که در افغانستان زنان برای رسیدن به حقوق شان پیش از همه باید علیه افکار ضدانسانی و متحجر بنیادگرایی چه نوع طالبی و داعشی و اخوانی آن برزمند.

خانم لوتا جانس، از اعضای پارلمان مربوط به حزب چپ سویدن در جمع‌بندی کنفرانس اظهار داشت که تبعیض و خشونت علیه زنان در تمام جهان وجود دارد، اما میزان آن با توجه به نقاط مختلف از هم فرق می‌کند. او افزود که حتی در اروپا فعالان حقوق زن و فمینیست‌ها مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. وی همبستگی و مبارزه پیگیر زنان به خاطر رهایی شان از یوغ استبداد و بی‌عدالتی را راه حلی برای احراز جایگاه شایسته زن در اجتماع خواند.



تجربه یکن از مبارزان ترک که به کنفرانس دعوت شده بود، برای همه الهام‌بخش بود. او سالهای دراز زندگی سیاسی‌اش را در زندان گذرانده است. دولت فاشیستی ترکیه هر بار به بهانه‌های گوناگون او را به زندان می‌اندازد تا مانع فعالیت‌های سیاسی‌اش شود، اما هر بار پس از رهایی او پرصلابت‌تر از گذشته به مبارزه ادامه داده و دسیسه‌های نظام اردوغان را ناکام می‌سازد. در حاشیه کنفرانس، سیلی غفار دیدارهایی با بعضی سازمان‌های مدافع حقوق زن و مبارزان کورد داشت و با چند چینل تلویزیونی و رادیویی و روزنامه‌ها مصاحبه‌هایی انجام داد. از جمله او مصاحبه یک‌ساعته با تلویزیون «نوروز» متعلق به رزمندگان کورد داشت که بخش‌هایی از آن قبلا در سایت حزب همبستگی نشر گردیده است.

همزمان فرصت مساعد شد تا نماینده حزب با انجمن مادران کورد دیدار دوستانه و مفصل داشته باشد. این مادران در پی آن اند تا زنان را از چهاردیواری خانه بیرون کشیده به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بکشانند. آنان با ترتیب دادن برنامه‌های متعدد، زنان را به کار و فعالیت در جامعه تشویق نموده درین زمینه مثال‌های فراوانی داشتند که زنان خانه‌نشین را به فعالان سیاسی بدل کرده

اند. در افغانستان که فرهنگ منحصراً مردسالارانه و فئودالی حاکم است و حتی اکثر مدعیان روشنفکرش زنان را در چهار دیواری خانه محصور می‌سازند، تجارب گرانبهای مادران کورد برای تغییر این شرایط دردناک آموزنده بود.



سیلی غفار دیدارهایی با اعضای پارلمان «حزب چپ سویدن» و رئیس حزب داشت که دیدگاه‌های حزب همبستگی را با آنان در میان گذاشت. وی مواردی را برشمرد که فعالان پارلمانی حزب چپ سویدن می‌توانند در مورد افغانستان با توجه به آن به کمک مردم و نه حاکمان فاسد و خاین افغانستان بشتابند. او با آوردن مثال‌هایی بیان نمود که کمک‌های دولت سویدن به افغانستان چگونه حیف و میل شده و یا در اختیار جنگسالاران و دشمنان مردم قرار می‌گیرند، چون عناصر بنیادگرا سالهاست که بیشترین نفوذ را در نهادهای کمکرسانی سویدن در افغانستان دارند. او از نمایندگان حزب چپ خواست که این موضوع را جدی پنداشته بالای دولت خود فشار آورند که نباید پول مالیه‌دهندگان آن کشور را صرف تغذیه بنیادگرایان جانی و دشمن انسانیت نماید. در ضمن از آنان خواست که فراکسیون پارلمانی و در مجموع حزب چپ باید بر سفر مقامات فاسد و دارای تاریخچه مملو از جنایت علیه مردم افغانستان اعتراض نموده اجازه ندهند که از یکچنین عناصر منحیث نمایندگان مردم افغانستان در کشور شان استقبال صورت گیرد. بحث بعدی با اعضای پارلمان موضوع پناهندگان بود که نباید در برابر آنانی که از وحشت و بربریت فرار نموده اند به گونه تبعیض آمیز برخورد صورت گیرد.

گزارشگر: مرسل

نجیب اکبری، قهرمان گمنام افغانستان را سرمشق قرار دهیم



«به همسرم گفتم
اگر آرشیف نروم
شاید اسناد را
بدزدند و یا هم
ذخایر اسناد را
آتش بزنند و همه
دار و ندار تاریخی

افغانستان از بین برود. ده افغانان مرکز شهر کابل که فاصله زیادی با ساختمان آرشیف ملی ندارد، مرکز جنگ بود و افراد شورای نظار در آنجا حاکم بودند. حزب وحدت از منطقه دهمزنگ سنگر شورای نظاری ها را در کوه تلویزیون با راکت و مرمی می زدند و بعضا مرمی ها اینسوی کوه اصابت می کردند. خانه ی ما در باغ بالا موقعیت داشت و آنروز من پای پیاده و از راه پس کوچه ها در حالی که جنگ بشدت جریان داشت راهی آرشیف شدم. وقتی به آرشیف رسیدم دیدم در کنار دروازه افراد مسلح ایستاده اند و در داخل هم یک گروه دیگری سرگرم شکستن دروازه ها اند. با ترس و لرز وارد شده خودم را معرفی کردم. به من اجازه دادند وارد آرشیف

شوم. وقتی داخل شدم دروازه‌ها شکسته بودند و میز و چوکی و الماری‌ها در اتاق‌ها پراکنده اینسو و آنسو به چشم می‌خوردند. ساختمان آرشیف تمام شب در دست افراد شورای نظار بود اما خوشبختانه آنان یا متوجه ذخایر اسناد نشده بودند و یا هم ارزش آنها را نفهمیده بودند بنا همه چیز دست‌نخورده باقی ماند. ما چند روز پیش از شدت گرفتن جنگ دروازه‌ها را مهر و موم کرده الماری‌های بزرگ را عقب دروازه‌ها گذاشته بودیم، اصلاً کسی متوجه راه ذخایر نشده بود از همین‌رو اسناد محفوظ ماندند.»



نجیب‌الله اکبری مسئول بخش اسناد تاریخی
در «آرشیف ملی افغانستان»

نجیب‌الله اکبری مسئول
بخش اسناد تاریخی در
«آرشیف ملی افغانستان»
روزهای سخت و خونین
جنگ‌های دهه هفتاد
خورشیدی را مثل دیروز
به یاد دارد و حقایق آن
زمان را با چشمان پر از
اشک برایم بازگو می‌کند.
نجیب روزها وقت به
آرشیف می‌آید و ناوقت‌ها

به خانه می‌رود. او ۲۳ سال از عمرش را در نگهداری اسناد تاریخی سپری کرده است. دستان خاک‌آلود و ریش‌ماش و برنج این مرد ۶۳ ساله خود نشان‌دهنده زحماتی‌ست که او برای تاریخ‌گرانیهای افغانستان کشیده است. او به تنهایی هر روز الماری‌های اسناد را پاک‌کاری می‌کند و مانند یک مادر که به کودکش می‌رسد، از اسناد مهم نگهبانی می‌کند.

او حدود شش‌هزار افغانی معاش می‌گیرد و تنها نان‌آور خانواده چهار نفره است. نجیب نه ترانسپورت برای رفت و آمد به دفتر دارد و نه هم از بیمه‌صحتی و معاش اضافی و بخششی و دیگر امتیازات از این قبیل برخوردار است. با تمام مشکلات اقتصادی که در زندگی دارد می‌گوید حاضر است تا آخر عمر پاسبان اسناد تاریخی کشورش باشد.

شغل آرشیف‌داری را از پدر آموخته است. پدرش که محمد اکبر نام داشت

حدود هفده سال در آرشیف ملی ماموریت انجام داد و نهایتاً در اثر بیماری چشم از جهان بست.

بیشتر از دو دهه کار در آرشیف حالا نجیب را هم بیمار و ناتوان ساخته است. دود و نم و سرما در ساختمان آرشیف باعث شده تا نجیب با مرض روماتیسم و تکلیف قلبی روبرو شود. نجیب یکبار هم برای عملیات قلب به پاکستان رفته و بدون اندکترین کمک از سوی دولت با مصارف شخصی و قرض به تداوی پرداخته است. اما این همه مشکلات و سختی تا هنوز از عشق او به کار در آرشیف نکاسته و با علاقمندی حتا بعضاً در روزهای رخصتی به وظیفه می‌آید.



خلیل، پسر جوان نجیب‌الله اکبری که توسط جمعی از اوباشان بصورت ددمنشانه چندسال قبل در کابل به قتل رسید.

در کنار بیماری و مشکلات اقتصادی، شهادت خلیل پسر جوانش که توسط جمعی از اوباشان بصورت ددمنشانه چندسال قبل در کابل به قتل رسیده او را می‌آزارد. او می‌گوید پسرش تازه تحصیلاتش را به پایان رسانیده و امید زندگیش بود، اما در قلب پایتخت به قتل رسید و چون پول و زور نداشت کسی هم به دادش نرسید که قاتلان را دستگیر و مجازات کند.

از او دلیل این همه فداکاری را می‌پرسم. پاسخ می‌دهد:

«عشق به میهن و آگاهی از ارزش

اسناد تاریخی باعث شد تا در میان

مرمی‌باران و راکت‌پرانی گروه‌های جهادی در دهه هفتاد خانواده‌ام

را ترک کنم و خودم را به آرشیف ملی برسانم تا اسناد گرانبهای

تاریخی از دستبرد و چور و چپاول نجات یابند.»

در زمان امارت طالبان هم نجیب و دیگر همکارانش در آرشیف با خود گذری و بازی دادن مسئولان طالبی اسناد را از تباهی نجات دادند. برای نجیب بازگو کردن شرایط آنزمان که با آه و غم و غصه آنرا بیان می‌کند کار ساده‌ای نیست. او که نفس عمیقی کشید چشم دیدش از ورود طالبان به ساختمان آرشیف را برایم قصه کرد:



«چند روزی از ورود طالبان به کابل نگذشته بود که گروهی از طالبان از راه شفاخانه جمهوریت که در عقب ساختمان آرشیف موقعیت

دارد وارد شدند. ما از قبل می دانستیم که می آیند و حتما اسناد را آتش می زنند و یا هم با خود می برند. اینسو و آنسو وارد اتاق ها شدند و به تلاشی شروع کردند. یکی از من پرسید چه کاره هستی؟ من بسیار با آرامی گفتم کارمند اینجا هستم و از کنارم تیر شد. با نگاه های مشکوک سوی ما می دیدند و وارخطا و شتاب زده وارد دهلیز اصلی ساختمان شدند. بدنم به شدت می لرزید و هر باری که نزدیک دروازه ذخایر می شدند با خود می گفتم همه چیز تمام شد و حالا حتما اسناد را از بین می برند. اما آنروز طالبان بدون صدمه رساندن به اسناد ساختمان آرشیف را ترک کردند. در زمان طالبان هم دروازه آرشیف مهر و موم بود و طالبان موقع نیافتند که اسناد تاریخی را ببرند و یا نابود کنند.»

به همان پیمانه که نجیب را جنگ و بدبختی کشورش رنج می دهد، از وضعیت آرشیف در سال های جنگ و پس از آن در یکونیم دهه گذشته رنج می برد. او می گوید در جنگ ها آرشیف خساره ندید و اسناد حفظ شدند اما بنابر خرابی ماشین های تصفیه هوا و نبود هوای معیاری در داخل ذخایر، برخی اسناد از بین رفتند و متباقی هم در حال از بین رفتن هستند. او از عدم توجه دولت به این گنجینه مهم انتقاد می کند و می گوید این مسئله او را از داخل می خورد و هر روز رنج می کشد.

نجیب در طول کار در آرشیف می توانست با فروش اسناد و دستبرد به گنجینه ای ملی زندگی بهتری داشته باشد اما با قبول فقر و بیچارگی هیچگاه فکر خیانت ملی بر سرش نزد و صادقانه از آن محافظت کرد. برای نجیب تمامی اسناد آرشیف ارزش دارد و به آن به عنوان افتخار و



نجیب الله علاقه خاصی به اسناد دوران
غازی امان الله خان دارد.

دارایی معنوی افغانستان
نگاه می کند اما می گوید
به اسناد و مدارک دوره
امان الله خان علاقه فراوان
دارد و مهمترین بخش
آرشیف را تشکیل می دهد.
او تصویر بزرگی از غازی
امان الله خان را در دیوار
عقب میز کارش نصب
کرده و بیشترین مطالعه را
نیز از دوره امانی دارد.
نجیب می گوید:

«دوره شیرین بود، امان الله خان افغانستان را به استقلال رساند.
افغانستان در آنزمان پیشرفت کرد و به چیزهای زیادی دست
یافت. نشریه ها داشتیم، نظام نامه ها و اصول نامه ها چاپ و نشر
شدند که حالا در آرشیف برخی از این اسناد را در اختیار داریم.
وقتی به این اسناد در داخل ذخایر نگاه می کنم بعضا بدون اراده از
چشمانم اشک جاری می شود و به گذشته های افغانستان افسوس
می کشم.»

نجیب با این طرز دید و خودگذری نسبت به تاریخ افغانستان، یکی از
هزاران قهرمان گمنام سرزمین ماست که متاسفانه در حاکمیت چپاولگران و
غلامان بیگانه کسی رسما از آنان بزرگداشت به عمل نیاورده است. اما به
عناصر آگاه و باوجدان وطن ماست که از یکچنین فرزندان اصیل مرز و بوم
شان به عنوان وطن دوستان و خادمان راستین تقدیر به عمل آورده، کارنامه های
شان را سرمشق زندگی خود قرار دهند و آنان را به نسل جوان معرفی کنند.



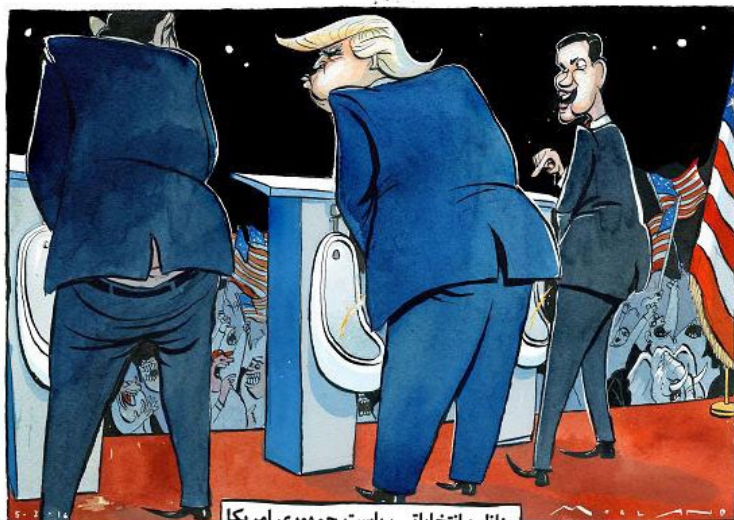
افسوس به حال رییس جمهور تحمیلی و پوشالی!

اشرف غنی برای اینکه از رییس اجراییه خود در خودنمایی پس نماند، به گونه نمایشی بعد از بسته شدن جاده های اطراف به روی هر زنده جانی، لحظه ای در شهر بیرون شد و نماز چاشت را در مسجد عبدالرحمن خواند. در این تصویر که بیشتر شبیه «شوتنگ» فلم های هالیوودی است، غنی در محاصره لشکری از محافظان انگشت به ماشه با کودکان پشت پنجره احوال پرسی می کند. فاصله میان او و مردم اینجا بخوبی نمایان است!

چقدر تماشایی و مضحک است حال رییس جمهوری که نه از دل و رای مردم، بلکه توسط جان گیری و کاخ سفید برای برنامه های ویرانگرانه یک دولت متجاوز بر ارگ نصب شده باشد و جهت عوامفریبی و مهار خشم ملت مجبور به اینگونه صحنه سازی های مبتذل باشد!

مناظره انتخاباتی امریکا از دید کارتونست «تایمز»

کارتونست: Morten Morland



مناظره انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا



کنسرت ولی فتح علی خان در حمایت از مبارزه برای حقوق زنان



۲۹ دلو ۱۳۹۴ (۱۸
فبروری ۲۰۱۶): ولی فتح
علی خان، هنرمند جوان
و مستعد افغان با همکاری
«حزب همبستگی
افغانستان» کنسرتی را
در دفاع از مبارزه زنان

ستمیدیده افغان برای احقاق حقوق شان در کابل برگزار کرد. او در کنار
اجرای چندین آهنگ، کار جدیدش برای زنان قربانی خشونت و جهالت را به
معرفی گرفت و از جوانان «اواپ» (AWAP Production) به شمول عبدالوکیل
امریخیل که با او همکاری کرده بودند سپاسگزاری نمود.

در ابتدای برنامه، سیلی غفار سخنگوی «حزب همبستگی» در مورد نقش
هنر در بلند بردن سطح آگاهی مردم صحبت نمود:

«هرگاه یک هنرمند دردهای مظلوم ترین طبقات را انعکاس
دهد و در کنار آنان "ایستاده" برزند، طبعا به دل مردم راه یافته و
آثارش در قلب و روح مردم ریشه می‌دواند.

...

در سرزمین مافیایی ما، مثل هر کشور استبدادزده دیگر هنرمندانی که قصد تابوشکنی دارند می‌باید کفن پوش در برابر نابرابری‌ها بایستند و عاملان تیره‌بختی‌های مردم شان را مورد آماج قرار دهند. به گفته ویکتور خارا در یکچنین کشورها موسیقی برای بیان "حرف‌های ممنوع" باید بکار رود. و طبیعی است که تابوشکنان باشهامت با ضدیت و تلوار کشی جنایتکاران و خاینان مواجه می‌شوند، بر سر راه شان سنگ اندازی صورت می‌گیرد و برایشان محدودیت‌هایی می‌آفرینند. ولی هنرمند آگاه وقتی در یکچنین وضعیتی قرار گرفت می‌بایست آنرا نشانه پیرویش بداند زیرا هنرش توانسته همچو شمشیری بُرا جنایتکاران و مافیازادگان را نشانه گیرد و دشمن را به اینچنین عکس‌العمل وادار سازد که منجر به سعادت و خوشبختی ملت گردد.»



سیلی غفار خطاب به هنرمندانی که رسالت‌مندانه به مردم می‌اندیشند پیام داد که سخن عمیق و زیبای زنده‌یاد سعید سلطانپور را که در یکی از اشعارش گفته بود «ترس را خنجر کن که هراس آغاز عادت بر پستی هاست» سرمشق زندگی هنری خود قرار دهند.

پس از سخنرانی، ولی فتح علی خان آهنگ جدیدش به نام «نامردها» را که دردهای جانکاه زنان افغان را در آن انعکاس داده است اجرا نمود که مورد استقبال گرم اشتراک‌کنندگان قرار گرفت. او هنری را که برای مبارزه

عليه استبداد باشد بارزش تر خواند و وعده سپرد که در آينده چندين آهنگ اعتراضی روی فجايع جاری کشور اجرا خواهد کرد.



در انتهای برنامه، سیلی غفار به نمایندگی از «حزب همبستگی افغانستان»، جهت قدردانی از تلاش وی برای ترویج هنر مردمی و معترض، تقدیرنامه‌ای به او و همکارانش اهدا نمود.



نویسنده: نوید نابدل

وقتی وجدان بیدار بود، دست خالی بر هر ماشین جنگی برتری دارد

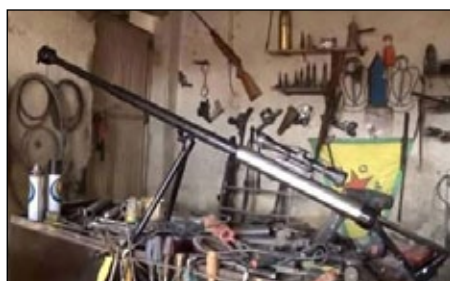


جنگ یک پدیده منحوس و ضدبشری است، اما در جامعه‌ای که بر اساس تضادهای شدید اجتماعی استوار بوده زورمداری و تجاوز و ستم در آن حکمفرماست،

ستم‌دیدگان در مقاطعی انتخابی جز برداشتن سلاح و دفاع از حیثیت و آزادی و استقلال شان ندارند. مقاومت حماسی زنان و مردان کورد در برابر داعش و دولت فاشیستی ترکیه از نمونه‌های درخشان اینچنین جنگ مسلحانه عادلانه برای آزادی و برابریست.

در شهر کوبانی که استقامت مردمش در برابر داعش جهان را به تحسین واداشت، جوانی از منطقه کانی کوردان کارگاه اسلحه‌سازی راه‌اندازی کرده با ابتکار و استعداد خارق‌العاده سلاح‌های جدیدی می‌سازد که مبارزان کورد از آن در برابر داعش کار می‌گیرند.

نیاز جنگجویان کورد به سلاح، آنان را واداشته که با خلاقیت دست به ابداع جنگ‌ابزار زده بخشی از نیازهای شانرا تامین کنند. جوانان «واحدهای



مدافع خلق» یا YPG اخیرا موفق به ساخت سلاحی شده اند که آنرا «زاگراس» نام گذاشته اند. این اسلحه که می تواند دشمن را در فاصله های دور هدف قرار دهد، توان عبور از زره را دارد که به صورت تک تیر وسیعا در جنگ ها علیه داعش مورد استفاده قرار می گیرد. آنان در ضمن موشکی به اسم «شیار» ساخته اند که برد ۱۸۰ کیلومتر داشته با آن داعشیان را می کوبند.



ریحانه از نشان زن های ماهر کوبانی است که گفته می شود بیش از صد داعشی را به زیاله دان تاریخ فرستاده است. حامیان داعش تصاویر دستکاری شده او را پخش کرده اعلان کردند که او را به قتل رسانیده اند که باعث سوگواری جمع وسیع هوادارانش در صفحات اجتماعی شد. اما خوشبختانه رزمندگان کورد با انتشار تازه ترین تصویر وی (راست) این خبر را تکذیب کردند.

پارتیزان های کورد دارای نشان زن های ماهری اند که بخصوص چندتن از زنان درین زمینه شهرت یافتند. بطور مثال دختری به نام رزا اچوی آنچنان با نشان زنی های دقیق دولت ترکیه را وحشت زده ساخت که برای دستگیری او تبلیغات و تلاش های جدی را راه انداخته اند.

در حالیکه جنگجویان کورد از سوی داعش و دولت ترکیه آماج حملات شدید قرار دارند، زنان کورد نقش براننده ای در نبرد دارند. نسرین عبدالله از قومندان های «واحدهای مدافع زنان» یا YPJ در واکنش بر حملات اخیر دولت

اردوغان بر کوردها گفت:

«ما ناچاریم که از مردممان دفاع کنیم. اگر نیروهای خارجی از این حملات جلوگیری نکنند، ما تمامی تجهیزاتی را که در اختیار



داریم برای نجات مردم و تقویت سیستممان به کار خواهیم گرفت. مردم ما خیلی وقت ها هدف قتل عام و حتی نسل کشی قرار گرفته اند. در حال حاضر این کاری است که از طرف دولت ترکیه

انجام می شود. متأسفانه، هیچ دولتی موضعی آشکار نگرفته است و آنچه را که در قبال کردها انجام می شود محکوم نکرده است... ما نمی توانیم تسلیم خواسته های کشورهای خارجی شویم. ما وظیفه داریم که از مردم خودمان دفاع کنیم.»



زاگراس، اسلحه ساخت کوردها که زنان مبارز با آن داعشیان را می کوبند.

ملتی که آگاهانه و باشهامت برای کسب استقلال و آزادی برخیزد، می تواند با دست خالی و ابتکارات باورنکردنی قوی ترین دشمنش را منکوب کند. اما این مبارزه زمانی برای مردم سودمند و رهایی بخش خواهد بود که رهبری را یک تشکل پیشرو انقلابی که بر مردمش متکی است بر دوش

داشته باشد. اگر رهبری جنبش به دست نیروهای مرتجع و معامله گر افتاد، مثل جنگ مقاومت ضدروسی در کشورما، جانفشانی و قربانی های مردم به هدر رفته روزگار تیره تری را به بار خواهد آورد.



سناتور امریکایی از بهای سرسام آور ادویه در آن کشور می‌نالد

سناتور امریکایی برنی سندرز که از کاندیدان انتخابات آتی ریاست‌جمهوری امریکا نیز می‌باشد، در صفحه فیسبوکش از حقیقت وحشتناک سیستم تجارتي صحت در امریکا سخن می‌گوید. او با گذاشتن لیست مقایسه‌ی قیمت بعضی داروهای معمول در امریکا و چند کشور دیگر نشان می‌دهد که در آن کشور چگونه تداوی بعلت بلند بودن سرسام‌آور قیمت ادویه برای فقرا ناممکن گردانیده شده است. بطور نمونه ادویه نکسم که در کانادا در بدل سی دالر به فروش می‌رسد، در امریکا ۳۰۵ دالر قیمت دارد.

Drug (Cost per month)	Canada	UK	Spain	Netherlands	US
Entrel (autoimmune)	\$1,646	\$1,117	\$1,386	\$1,509	\$2,000
Colchicine (gout)	\$51	\$112	\$104	\$112	\$130
Cisapride (GER)	\$1,400	\$862	\$1,191	\$1,190	\$2,900
Cymbalta (depression)	\$110	\$40	\$71	\$62	\$240
Gilevec (leukemia)	\$1,161	\$2,697	\$3,348	\$3,321	\$8,500
Humira (arthritis)	\$1,550	\$1,192	\$1,496	\$1,498	\$2,048
Nexium (acid reflux)	\$30	\$42	\$58	\$23	\$106

او نوشته است: «در ثروتمندترین کشور تاریخ جهان، امریکاییان نباید با این هراس زندگی کنند که ممکن در اثر نداشتن قدرت خرید ادویه مورد نیاز شان ورشکست شوند و یا بمیرند. ۳۵ میلیون امریکایی نباید مجبور باشند بدون ادویه‌ای پسر کنند که استطاعت خرید آنرا ندارند.»

۵۰ میلیون تن در امریکا بدون بیمه صحتی زندگی می‌کنند و بخاطر فقر گسترده به داکتر مراجعه نمی‌توانند و یا توان خرید ادویه تجویز شده را ندارند. مایکل مور، مستندساز عدالتخواه امریکا، در فلم مستند «سیکو» (Sicko) میزان وحشتناک بیعدالتی و نیرنگ در سیستم بیمه صحتی امریکا را به تصویر کشیده آنرا با امکانات رایگان و منظم صحتی در کیوبا به مقایسه گرفته است. دیدن این فلم به خودی خود کافیهست که عمق استبداد و غارت در امریکا را درک کرده بر شعارهای دروغین حاکمان آنکشور خط بطلان کشید.

نویسنده: شریفه

قتل سرشناس ترین فعال مدنی در هندوراس تحت سلطه امریکا



برت ایزابل کاسرس (Berta Isabel Cáceres) از سرشناس ترین فعالان مدنی و سیاسی هندوراس و برنده جایزه مشهور «انسان طلایی محیط زیست» در ۳ مارچ ۲۰۱۶ شب هنگام در خانه اش با ضرب گلوله به قتل رسید.

این زن ۴۳ ساله از دورانی که محصل جوانی بود «شورای سازمان های مردمی و بومی هندوراس» را بنیان گذاشت و تا هنگام مرگ از سرسخت ترین مبارزان برای حقوق سرخ پوستان و زنان بود. او با اعمار سدها در مناطق رهاشی اهالی بومی و تصاحب معادن توسط شرکت های خارجی به مخالفت برخاسته و ضمناً از منتقدان جدی دیکتاتوری و ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در کشورش به شمار می رفت. از ۲۰۱۳ بدینسو وی با حمایت وسیع مردمی کارزاری را راه انداخته بود تا مانع ایجاد بندهایی در منطقه لنکا گردد که فقط سود شرکت های عظیم فرامیتی را تامین می کند.

از آوان کودتای نظامی سال ۲۰۰۹ با همدستی مستقیم امریکا در هندوراس

که رژیم دیکتاتور خوان اورلاندو هیرناندز روی کار آمد، هزاران فعال و معترض همواره تحت فشار و سرکوب بسر می‌برند اما مشخصا برتا به خاطر آخرین تلاش‌هایش جدا و بار بار به مرگ تهدید شده بود. اکنون نه تنها ارتش و پولیس هندوراس تحت نظارت امریکا قرار دارند بلکه در تمامی برنامه‌های اقتصادی و انکشافی نیز سود دولت‌های امپریالیستی معیار تصمیم‌گیری است. برتا کاسرس در سال ۲۰۱۵ حین دریافت جایزه «مرد طلایی محیط زیست» گفت:

«بگذارید بیدار شویم! بگذارید بیدار شویم، بشریت! ما از زمان عقب مانده‌ایم. ما باید وجدان خود را رها از کاپیتالیسم درنده‌خو، نژادپرستی و پدرسالاری‌ای تکان دهیم که فقط نابودی ما را یقینی می‌سازد.»



برتا کاسرس طی راهپیمایی‌ای در مصاحبه زنده با سایت (upsidedownworld.org) در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۹ اظهار داشته بود که جنبش‌های مردمی هندوراس ضربات سختی را از آنچه دیکتاتوری و نقض جنایتکارانه و سرکوبگرانه حقوق بشر می‌نامند، متحمل شده‌اند:

«این همه با نظامی‌گری در منطقه تقویت یافته‌اند. جایی که خبرنگاران اختطاف شده‌اند، آمار قتل زنان با کودتا ۶۰ برابر افزایش یافته است، حالت اضطرار و منع عبور و مرور اعلام شده است، جایی که جوخه‌های مرگ را جنرال تربیت یافته "مکتب قاره امریکا" و جاسوس سی‌آی‌ای از سر گرفته است و... ما شاهدیم که سران کودتا توسط تروریستان جهانی نظیر اوتو ریچ (معاون پیشین وزیر خارجه امریکا و حامی کودتای ۲۰۰۲ ونزوئلا) و مافیای ضدانقلابی حمایت می‌شوند.

ما به تمامی نیروهای اجتماعی این قاره ندا سر می‌دهیم که به یکپارچگی نیاز داریم تا استراتژی‌های مشترک میان جنبش‌های

اجتماعی و دولت‌های چپ ایجاد نماییم.... ما باید آشکار سازیم که این کودتا آغاز حملات مستقیم و در حمایت کامل امریکا می‌باشد....

جنبش ما شعاری دارد که در قلب مان رسوخ کرده است: آنان از ما در هراس اند زیرا ما بی‌باکیم.»



فردای قتل برتا
هزاران محصل به
خیابان‌ها ریخته و
سیاست‌های دولت،
عدم امنیت فعالان
مدنی و حقوق بشری
و کشته شدن رهبران
محبوب و سرشناسی
چون برتا کاسرس را
محکوم نمودند که
این اعتراضات نیز به
خشونت و زد و خورد
با پولیس انجامید.

پوستری که توسط حامیان برتا کاسرس برای یادبود از او پخش شده که روی آن نوشته اند «مردم لنکا مقاومت می‌کنند / بخاطر آب و زمین ما.»

قتل برتا در سطح
جهان خشم فعالان

سیاسی و نهادهای عدالتخواه را برانگیخت. ده‌ها شخصیت و سازمان جهانی، دولت هندوراس و نیروهای امریکایی حامی آنرا عامل قتل برتا قلمداد نموده و خواهان تحقیقات مستقل در زمینه اند.



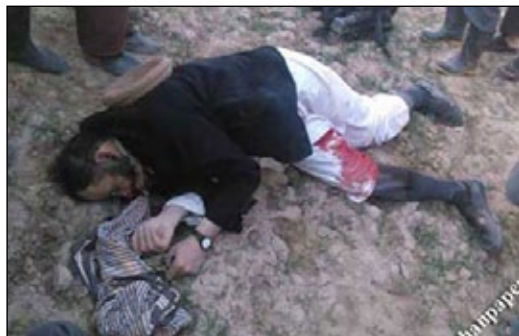
اعتراض مردم نورابه ولسوالی چاه آب تخار به خون نشست



به تاریخ ۱۷ حوت ۱۳۹۴ مردم قریه نورابه ولسوالی چاه آب ولایت تخار بنابر کار غیرمسولانه شرکت استخراج طلا که خانه‌های مسکونی شان را مورد تهدید قرار داده بود دست

به اعتراض زدند. شرکت حاجی کبیر استخراج کننده طلا قبل از شروع کار به مردم منطقه وعده داده بود که کمک هایی از قبیل ساختن سرک، کلینک، مکتب وغیره به مردم انجام خواهد داد ولی با گذشت هفت سال هیچکدام از وعده‌هایش را عملی نکرده است. چون حفريات آنها در نزديك منازل رهايشي مردم قرار دارد حيات مردم را لغزش زمين و سقوط خانه‌ها تهديد مي کرد بنا آنان تقاضا کرده بودند که کار را متوقف سازند و یا برای آنها زمین داده شود که این ساحه را ترک گویند. اما شرکت بدون در نظر داشت خواسته‌های مردم به کار خود ادامه داد و چندین بار وقتی مردم صدای مخالفت بلند کردند با پادرمیانی نماینده‌های پارلمان که گفته می‌شود مقدار پول از شرکت گرفته اند با فریب و نیرنگ مردم را خاموش ساخته اند.

مردم وقتی درک کردند که نماینده‌ها به فکر جیب خود بوده منافع مردم برایشان ارزشی ندارد، خود متحد شده کار شرکت را پرچو و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود گردیدند. شرکت موضوع را با والی تخار در میان می‌گذارد که در نتیجه دولت نمایندگانی به آنجا اعزام می‌دارد تا موضوع را فیصله کنند. بعد از توافق مردم با نماینده‌های دولت، آنها با مردم می‌خواهند از شرکت دیدن کنند اما



در مسیر راه افراد وابسته به شرکت به سرکردگی فردی به نام عاشور که از لچک‌ها و وندگیرهای قریه دیگر است در برابر آنان کمین کرده تعداد زیادی را با چاقو و فیر مرمی هدف قرار می‌دهند که در نتیجه چندین تن کشته و زخمی می‌گردند. وقتی مردم

داکتر عبدالرحیم، کارمند مرکز صحتی ولسوالی چاه‌آب از سوی افراد مسلح ناشناس کشته شد و سپس مردم محل قاتلان را دستگیر و در ملاء عام تیرباران کردند.

قریه از موضوع آگاه می‌شوند، زن و مرد به محل دستگاه‌های شرکت جمع می‌شوند تا در مورد شهادت و مجروح شدن عزیزان شان دادخواهی کنند. وقتی نگهبان‌های شرکت سیلی از مردم خشمگین را در مقابل خود می‌بینند تهدید می‌کنند که در صورت نزدیک شدن بالای آنان فیر خواهند کرد. مردم عقب بر نمی‌گردند که متعاقباً نگهبان‌ها بسوی آنان فیر می‌کنند که جوانی تنومند به نام عبدالرحمان را به شهادت می‌رسانند. مردم دیگر به آنان مجال نداده به سوی شان حمله‌ور شده همه را خلع سلاح و اسیر می‌کنند. در این زمان است که پولیس به دفاع از افراد عاشور به ساحه می‌رسند و تعدادی از اینان را با زخمیان از منطقه توسط رینجرها خارج می‌کنند. در این درگیری پنج تن کشته و دوازده تن زخم برداشته‌اند.

دو روز قبل از این حادثه در قریه گزان دو تن یک شخص بنام عبدالرحیم را که شغل کمک‌های اولیه طبی داشته و بین مردم محبوبیت داشت برای دیدن مریضی از خانه‌اش با نیرنگ کشیده به محل دیگر می‌برند و در همان جا وی را به قتل می‌رسانند. وقتی مردم از موضوع آگاه می‌شوند هردو قاتل را گرفتار و با محاکمه صحرایی از بین می‌برند.

اعلامی

د فرخندي په وینو ککړې جامې د بنسټ پالانو او نیواکګرو پر وړاندې د مبارزې بیرغ کړو!



په کابل کې د فرخندي د وژل کیدو له ویروني ورځ یو کال تیر شو چی نه یواځی زموڼر ولس بلکه ټوله نړۍ یی په هیبت او ویره کی ډوبه کړه. خو د کرغیږنو واکمنانو ناولو

وجدانونو هیڅ ټکان ونخوړ او تر اوسه اصلی وژونکی او د هغوی ملاتړی د عدالت له منګولو څخه بهر دی او په تیر یو کال کی په ګڼو چارو هڅه وشوه چی زموڼر د وخت د تاریخ په زړه بورنونکی ځناورتوب پرده واچول شي.

د فرخندي پر وړاندې د جنایت ترسره کونکو د دوهمې درجې عاملانو له ملنډو ډکې ښکاره او پټې محاکمې زموڼر د خبرو ریښتینولي په ډاګه کړه چی د داسی ځناورتوب ترسره کول په دولت کی د شته جنایتکارانو له ملاتړه پرته ناشونی دی. ددغې زړه بورنونکی پیښې ترشا هغوی شتون درلود چی غوښتل یی یوځل بیا د کابل د خونړیو جګړو یادونه د کابلیانو په ذهنونو کی تازه کړي او په دې توګه خلک چوپتیا او درناوي ته اړ باسي. خو د فرخندي وینې د توراندو ځناورو نقاب خیری کړ او له کلونو وروسته د لومړي ځل لپاره زموڼر

خلک د نیاوو غوښتلو لپاره د بنسټ‌پاله ځناورو پر وړاندې راولاړ شول. د «افغانستان همبستگی گوند» د آزادۍ غوښتونکو انسانانو په مرسته او د شهید فرخندې د ټوټه-ټوټه کونکو ملاتړو د مخالفت او خنډ جوړونې پر وړاندې ودریدو سره په دې و توانیده چې د هغې په یاد دغه ځلې جوړه کړي ترڅو د بنځو ضد ویجاړونکو او رټل شوو پر وړاندې، د یو آزاد او سمسور افغانستان چې له هر ډول تبعیض او شذلتیا څخه پاک وي، د بنځو او سړو کوکارو تل‌پاتې انگازه وي.

د «افغانستان همبستگی گوند» یو واری بیا پر ټولو کړیدلو خلکو او آزادۍ غوښتونکو عناصرو باندې غبرکوی چې د فرخندې وینه د هر شرافتمند افغان وجدان دی، پری‌نږدو چې خاینان زمونږ شرف تر پښو لاندې کړي. که د فرخندې په اړه عدالت په ریښتیني توګه پلی نشي، نور به ددې خاورې په اصطلاح روڼ‌آندی چوپړان هڅه کوی ترڅو زمونږ خلک د فرخندې، رخشانې، تبسم او ددې خاورې زرګونو نورو بنځو او سړو پر وړاندې ددوي ځناورتوب له یاده وباسي، خو دا زمونږ دنده ده چې د فرخندو له وینو ډکو جامو د عدالت غوښتنې بیرغ کړو ځکه چې سوله او ټیکاو او نیکمرغي د یوې حق غوښتونکې سربښدنې پرته نه ترلاسه کیږي.

د افغانستان د همبستگی گوند

۱۳۹۴ کال د کب ۲۷مه (۱۷ مارچ ۲۰۱۶)

کابل

شماره چهارم
همبستگی غږ
به زبان پشتو
منتشر شد، آنرا در
بدل ۲۵ افغانی
از نمایندگی‌های
فروش نشریات ما
بدست آورید.



سند تاریخی: جدیت شاه امان الله خان در برابر فاسدان



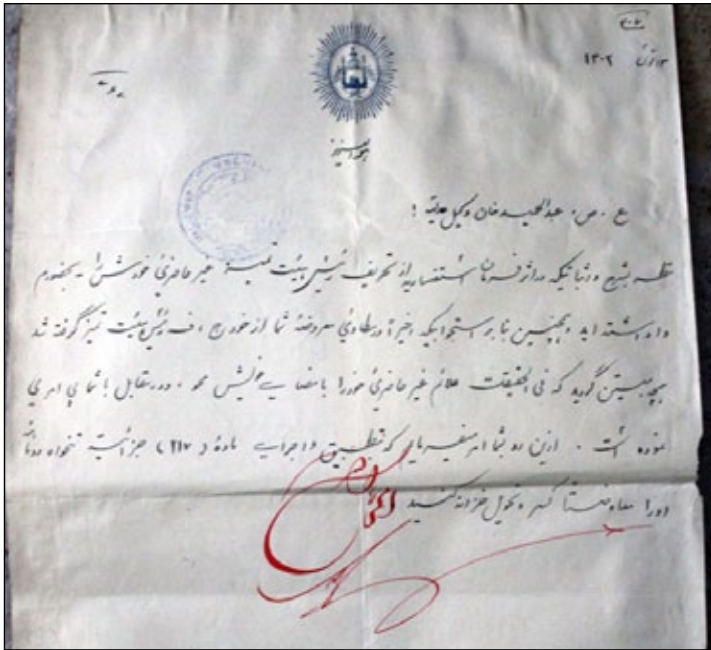
امروز افغانستان صاحب فاسدترین و ضدملی ترین دولت در جهان است. دیگر دزدی های چندین میلیون دالری مقامات به امر معمول بدل شده و شاه مهره های فساد نظیر

عمر زاخیلوال به میزان رسوایی های شان به پست های مهم تر گماشته می شوند. بازهم سند تاریخی دیگری از دوران پر دستاورد امانی به دستم رسیده که در آن توجه و برخورد جدی امان الله خان این شاه عادل و وطن دوست را به ماموران خطاکار دورانش می شود دید و از آن آموخت.

این سند که در آرشیو ملی افغانستان نگهداری می شود، فرمان مورخ ۱۳ قوس ۱۳۰۲ با امضای امان الله خان عنوانی وزیر عدلیه است که از او خواسته است تا معاش دوماهه رئیس هیئت تمیز را به خاطر اینکه «علائم غیرحاضری خود را با امضای خویش محو» کرده است کسر و تحویل خزانه نماید.

افغانستان زمانی از فساد و غارتگری وحشتناک پاک خواهد شد که فردی به پاکی و جدیت امان الله خان زمام امور را بدست گرفته ابتدا کشور را از سلطه

بیگانگان خلاص کند و بعد سیاست‌هایش را بر احساس مسئولیت و دلسوزی در برابر منافع ملی پایه‌ریزی کند.



فرمان مورخ ۱۳ قوس ۱۳۰۲ با امضای امان‌الله خان
عنوانی وزیر عدلیه



کارتون‌نویست: کارلوس لاتوف

راهپیمایی روز جهانی زن را ممنوع کرد
دولت اخوانی ترکیه

نشریات «حزب همبستگی افغانستان» را در کابل و ولایات از آدرس‌های ذیل به دست آورده می‌توانید:

کابل

نمایندگی انجمن نویسندگان افغانستان
جوار پارک تیمور شاهی

شرکت کتاب شاه محمد
چهارراهی صدارت

کتاب فروشی مقدم
مارکیت جوی شیر کابل

انتشارات طیب روشن،
کوته سنگی، مارکیت مینه یار،
مقابل کورس بهزاد

کتابخانه وحدت
نیز بیک، دکان حاجی

کتاب فروشی معلم محمد وحید
د افغانستان آریانا مارکیت، دکان اول

کتاب فروشی رفیع الله
پل باغ عمومی، لب سرک، زیر پشتنی بانک

هرات

کتاب و قرطاسیه فروشی
عبدالجبار "یعقوبی"
چکان غوند یازده،
مقابل مکتب متوسطه خلیل الله خلیلی

بلخ

کتاب فروشی عبدالغفور عرفانی
کتاب فروشی عبدالرازق انصاری
مزار شریف، چهارراهی بیهقی،
پوسته خانه شهری

کتاب فروشی فیروز
مقابل نشنل بانک پاکستان

تخار

فوتوکاپی آمو، نجیب الله رحیمی
تالقان، بندر بدخشان، مقابل فوائد عامه،
دکان نمبر ۱۰

کندز

قرطاسیه فروشی محمد هارون
جاده ولایت

غزنی

کتاب و قرطاسیه فروشی توحید
شهرک البیرونی، جاده خاتم الانبیا

کتاب و قرطاسیه فروشی احمدی
پلان سوم، کوچه زیارت خواجه علی

کتاب فروشی فرهنگ ۱
جوار کتابخانه عامه

کتاب فروشی فرهنگ ۲
سرک تانک تیل کهنه، رسته نجارها

ننگرهار

غرفه فروش اخبار و مجلات
جمیل شیرزاد
جلال آباد، چوک تلاشی،
مقابل گمرک کهنه

کتابفروشی سیار
ولسوالی خیوه

کنر

کتابفروشی احمد ظاهر
چغانسرای، سرک قومندانی

فراه

کتابفروشی عزیزی
واقع ناحیه سوم،
مقابل لیسه نفیسه توفیق میر زایی

بغلان

کتاب و قرطاسیه فروشی فردوسی
شهر پلخمري، مقابل غضنفر بانک

بدخشان

کتاب و قرطاسیه فروشی ضیایی
فیض آباد، دشت شهدا، مقابل تربیه معلم

نورستان

عکاسخانه، فوتوکاپی و قرطاسیه فروشی میا
روبروی مسجد انصاف مارکیت، پارون - نورستان

هموطنان درد دیده،

اگر خواهان افغانستان مستقل، آزاد و دموکرات هستید؛ اگر آرزوی سربلندی افغانستان و آسایش مردم مظلوم ما را به دل دارید؛ اگر تلاش می‌ورزید علیه جنایات و خیانت‌های اشغالگران و نوکران میهن فروش شان نقشی ادا کنید، به «حزب همبستگی افغانستان» پیوندید و در تکثیر و پخش نشریات حزب تان هرچه بیشتر و وسیع تر بکوشید!

آدرس: پست بکس شماره ۲۴۰، پسته خانه مرکزی
کابل - افغانستان

موبایل: 0093-700-231590

ایمیل: info@hambastagi.org

سایت: www.hambastagi.org

فیسبوک: [FB.com/Afghanistan.Solidarity.Party](https://www.facebook.com/Afghanistan.Solidarity.Party)

[facebook.com/hambastagi](https://www.facebook.com/hambastagi)

تویتر: twitter.com/hambastagi

یوتیوب: [youtube.com/AfghanSolidarity](https://www.youtube.com/AfghanSolidarity)

«حزب همبستگی افغانستان» برای پیشبرد فعالیت‌هایش به حق‌العضویت اعضا و اعانه‌ی هواداران و دوستدارانش اتکا دارد. با کمک‌های نقدی تان ما را یاری دهید:

Azizi Bank

Koti-e-Sangi Branch, Kabul, Afghanistan

Name: Sayed Mahmood

Account No: 001903204644917

THE Voice of Solidarity

(HAMBASTAGI GHAG)

A Monthly Publication of the Solidarity Party of Afghanistan

41

MARCH
2016



**مبارزه علیه بنیادگرایی و اشغال
گام اول در راه رهایی زن افغان است!**

صفحه ۱۰

**گردهمایی در بزرگداشت
از روز جهانی زن**

صفحه ۱۳

